

تلقى زرتشتیان از کیفر زنان بزهار در دوزخ بر مبنای نسخ هندی مصور ارداویرافنامه

ناهید جعفری دهکردی^۱ تقی حمیدی‌منش^۲ شهریار شادی‌گو^۳ سیده مریم جزایری^۴

چکیده

متن اصلی کتاب ارداویرافنامه، یک منبع دینی و درعین‌حال ادبی است که بارها به زبان‌های دیگر به دو صورت نظم و نثر ترجمه شده است و پارسیان هند، به آن توجه بسیاری کرده و هنرمندان نیز در تصویرگری آن کوشیده‌اند. نگارندگان با هدف بررسی جایگاه ارداویرافنامه در ادبیات دینی زرتشتی و تحلیل تصاویر آن‌ها با نظام کیفری فقه زرتشتی، ۱۵ نگاره از چهار نسخه مصور دست‌نویس و چاپ سنگی ارداویرافنامه هندی را انتخاب کرده و مورد توصیف و تحلیل قرار داده‌اند و در پی پاسخ به این سؤالات هستند که نگاره‌های نسخ ارداویرافنامه چگونه در ارتباط با فقه زرتشتی و به‌ویژه گناهان زنان قابل‌بررسی هستند و چگونه می‌توان تأثیرپذیری یا استقلال‌کاری هنرمندان نقاش را از منابع مکتوب سنجید. نتایج به‌دست‌آمده از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، گویای آن است که هنرمندان زرتشتی، تمایل زیادی در مصورکردن عذاب و شکنجه زنان دوزخی داشتند. آن‌ها برای این کار از نقش‌کردن موجودات خیال‌انگیز و وحشتناک استفاده می‌کردند. روایت‌های سخت‌گیرانه موجود در متن ارداویرافنامه، نوعی تحریف موبدان در آیین اصلی زرتشت بود که احتمالاً پس از برافتادن دولت ساسانیان، به فراموشی گذارده شده است؛ اما هنرمندان نه‌تنها از آن استقبال می‌کردند، بلکه بر شدت آن‌ها می‌افزودند تا متن را برای مخاطب و بیننده جذاب‌تر و منسجم‌تر کنند.

واژه‌های کلیدی: دین زرتشت، نظام کیفری، نسخ ارداویرافنامه، گناهان زنان، هنر زرتشتیان هند.

۱. دانشجوی دکتری پژوهش هنر دانشگاه هنر اصفهان دانشکده پژوهش‌های عالی و کارآفرینی، اصفهان، ایران.

۲. مربی و عضو هیئت علمی. گروه گرافیک. دانشکده هنر. دانشگاه بوعلی سینا، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Email: shad@cfu.ac.ir

۴. کارشناس ارشد رشته ادبیات محض دانشگاه شهرکرد، ایران.

۱- مقدمه

نخستین موج مهاجرت پارسیان به هند، احتمالاً به سال‌های ۷۰۵-۷۰۶ میلادی بازمی‌گردد (آذرگشسب، ۱۳۴۸: ۶۰) که از نومییدی جامعه زرتشتیان ایران از بردمیدن دگرباره ستاره بخت آیین زرتشت در آینده‌ای نزدیک بود. پس از گرایش‌های گسترده ایرانی‌ها به آیین اسلام و آزار و اذیت زرتشتیان توسط حاکمان و مسلمانان، گروه‌هایی از زرتشتیان راه دیار هند را درپیش گرفتند و در آن سرزمین ماندگار شدند. زرتشتیان در چندین نقطه هند شمالی سکنی گزیدند و جوامع محلی‌ای را تشکیل دادند که به پارسیان موسوم بودند. آن‌ها در جامعه هند نقش نسبتاً فعالی داشتند تا اینکه مناطق تحت‌سکونت آنان، دگرباره توسط مسلمانان فتح شد. علی‌رغم برخی دشواری‌ها و سختگیری‌ها، پارسیان توانستند همچنان بودباش خود را در شبه‌قاره حفظ کنند. تا اینکه پس از رسیدن اروپاییان به هند و سیاست نسبتاً متساهلانه آنان در مورد دین‌ها، پارسیان از فرصت استفاده کردند و بیش‌ازپیش در کارهای تجارتي و اقتصادی داخل شدند و توانستند جامعه خود را رشد دهند (آذرگشسب، ۱۳۴۸: ۶۸؛ شهرمدان، ۱۳۶۰: ۲۲۸). دوره حضور فرنگیان در شبه‌قاره، فرصتی برای ابراز وجود برای پارسیان پدید آورد و آنان نه تنها توانستند جامعه پارسی هند را ترمیم کنند، بلکه با معرفی آیین زرتشتی و کتب اوستایی و پهلوی به خاورشناسان، آیین خود را به جهان غرب شناساندند. در این زمان آنان همچنین ارتباطات گسترده‌ای با ایران و به‌ویژه زرتشتیان ایرانی برقرار کردند. افزون‌بر این‌ها، پارسیان در استقلال هند و جنگ داخلی منجر به تجزیه هند نیز به نفع سرزمین اصلی هندوستان، نقش مثبتی ایفا کردند و خدمات آنان مورد سپاسگزاری قرار گرفت (آذرگشسب، ۱۳۴۸: ۷۴-۷۷).

۱-۱- بیان مسئله و سؤالات تحقیق

دوره حضور اروپاییان در هند تا پس از آن را باید دوران رشد و تعالی مادی و اقتصادی پارسیان بدانیم. در این چند قرن، ادبیات پارسیان گسترش پیدا کرد و کتاب‌های زیادی به زبان‌های فارسی، گجراتی و سانسکریت به نگارش درآمد؛ از جمله این کتاب‌ها می‌توان به ارداویرافنامه و دینکردنامه منظوم اشاره کرد که در این جستار، تحریرهای هندی مصور آن‌ها را از نظر می‌گذرانیم؛ همچنین تلاش است به دو سؤال پاسخ داده شود: ۱- نگاره‌های نسخ ارداویرافنامه هندی چگونه

در ارتباط با فقه زرتشتی و به‌ویژه گناهان زنان قابل‌بررسی هستند؟ ۲- چگونه می‌توان تأثیرپذیری یا استقلال‌کاری هنرمندان نقاش هندی زرتشتی از منابع مکتوب را ارزیابی کرد؟

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

نگارندگان با هدف بررسی جایگاه ارداویرافنامه در ادبیات دینی زرتشتی و تحلیل تصاویر آن‌ها با نظام کیفری فقه زرتشتی، ۱۵ نگاره از چهار نسخه مصور دست‌نویس و چاپ سنگی ارداویرافنامه هندی را انتخاب کرده و مورد توصیف و تحلیل قرار داده‌اند. موضوع هنر زرتشتیان پس از اسلام، در ایران و خارج از ایران، تاکنون مغفول مانده و توجه چندانی بدان نشده که مقاله حاضر، از این نظر، مفتاح راهگشایی جدید است. از طرفی نسخ مصور ارداویرافنامه هندی، تاکنون جمع‌بندی و شناسایی نشده‌اند و این مقاله، برای نخستین بار، چهار نسخه مصور را معرفی می‌کند. همچنین ضمن بازگویی پاره‌ای احکام ناروا که برخی موبدان به دین زرتشتی داخل کرده‌اند، زمینه را برای شناخت سره از ناسره در الهیات دین زرتشتی فراهم می‌کند. نگارندگان، جرائم جنسی مرتبط با زنان را در تاریخ فرهنگ پارسیان هندی مطالعه کرده‌اند و نظر به فقر مطالعاتی داخلی در این زمینه، این مقاله می‌تواند انگیزشی برای مطالعات بعدی در این‌باره باشد.

۱-۳- روش تفصیلی تحقیق

این جستار به‌لحاظ هدف، در زمره پژوهش‌های بنیادی نظری قرار دارد و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی محسوب می‌شود. جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی و ابزار گردآوری، فیش‌برداری است. جامعه آماری پژوهش، ۱۵ نگاره از نسخه‌های دست‌نویس و چاپی ارداویرافنامه و دینکردنامه هندی است که به‌صورت انتخابی برگزیده شده‌اند. در این مقاله نگارندگان تلاش دارند ضمن معرفی وضعیت زنان در آیین زرتشتی، جرائم و انواع آن در ادبیات فقهی زرتشتی را موردتوجه قرار دهند؛ وضعیت زن در جامعه ساسانی و نظام حقوقی در آن جامعه تشریح داده شده است و نسخه‌های مصور ارداویرافنامه هندی جمع‌آوری و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۴- پیشینه تحقیق

در مقاله‌های بررسی‌شده، پژوهشگران با روش تحلیلی و مقایسه‌ای به بررسی ارداویرافنامه پرداخته‌اند؛ از میان تحقیقات مقایسه‌ای می‌توان مقالات بهمینی و صلاحی‌مقدم (۱۳۹۶) با عنوان

«مقایسه ارداویرافنامه و التوهم حارث محاسبی» را نام برد. نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که بهشت و دوزخ در ارداویرافنامه براساس کارکردهای اجتماعی افراد و مبتنی بر بینش گیتی‌شناختی زرتشتیان است؛ درحالی‌که در التوهم تأکید بر دوری و نزدیکی به خداوند است. تحقیق دیگر توسط خائفی و همکاران (۱۳۹۴) با عنوان «مقایسه ارداویرافنامه با سیرالعبادالی‌المعاد سنایی» به رشته تحریر رسیده است. دستاورد این پژوهش نشان می‌دهد که سفرنامه‌های روحانی و تمثیلی، زمانی بازگو می‌شوند که هنوز آزادی، مفهومی فراگیر نبوده است. نویسندگان این آثار، سفرنامه‌های خود را برای تشفای درون خویش از آشفتگی‌ها و بی‌نظمی‌های دوران خلق می‌کردند. از میان مقالات توصیفی نیز می‌توان به پژوهش بیگزاده و زندی‌طلب (۱۳۹۶) با عنوان «تحلیل سفر روحانی ویراف در ارداویرافنامه براساس الگوی کمپبل» اشاره کرد. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که سفر ویراف با مراحل سه‌گانه سفر قهرمان در الگوی کمپبل تا حدودی هم‌خوانی دارد و در مواردی از زیرگونه‌های هفده‌گانه فاقد معادل است که دلیل آن نوع نگرش به سیمای قهرمان در ساحت اهداف دینی و اسطوره‌ای و نیز تفاوت بنیادین موضوع معراج با سفر قهرمان است. مقاله دیگری توسط ربیع‌زاده و حسنی (۱۳۹۴) با عنوان «بررسی ساختارهای اقتصادی ارداویرافنامه» شکل گرفته است. نتایج گویای این مطلب است که ساختارهای اقتصادی کتاب کاملاً هماهنگ و هم‌سو با ساختارهای اقتصادی نظام ساسانی است و می‌تواند منبعی معتبر برای بررسی ساختارهای جامعه ساسانی، مورد استفاده محققان قرار گیرد. درنهایت سلطانی (۱۳۸۴) نیز در مقاله‌ای با نام «گناه زنان در ارداویرافنامه» به این مهم دست پیدا می‌کند که برخلاف مردان که مشاغل و رفتارهای‌شان ایشان را مستوجب بهشت یا دوزخ می‌کند، زنان با دیدی جنسیتی، تنها در موضع زن و غالباً از دید مردان و وظایفی که مردان اجتماع بر دوش آنان نهاده‌اند به بهشت یا دوزخ فرستاده می‌شوند. موضوع هنر زرتشتیان پس از اسلام، در ایران و خارج از ایران، تاکنون مغفول مانده و توجه چندانی بدان نشده و مشوق نگارندگان در ارائه این مقاله بود.

۲- وضعیت زنان در آیین زرتشت

در مطالعه احکام فقهی آیین زرتشتی، باید متوجه این نکته بود که پیام و آموزه‌های زرتشت، به‌طورکلی، مستقل از آن‌ها بوده است؛ چه اینکه این تفاوت، به‌طور کاملاً آشکار، در متن مجموعه

اوستا نیز به چشم می‌خورد. بخش اصیل اوستا، گائاه‌ها نامیده می‌شود و دربردارنده پیام خود زرتشت است و در آن، راستی و خردمندی و نیک‌اندیشی، ستوده و سفارش می‌شود؛ ولی بخش وندیداد که بخش بازپسین اوستاست و در آن احکام خشک و سخت‌گیرانه فقهی دیده می‌شود، غالباً به عنوان الحاقیه و پیوستی به اوستا دانسته می‌شود که مغان و موبدان زرتشتی، خودسرانه بدان افزوده‌اند (رضی، ۱۳۶۶: ۱۱۸). در گائاه‌ها، به زن ارج گزارده می‌شود و او می‌تواند آزادانه دین و آیین خود را برگزیند (مزداپور، ۱۳۶۹: ۴۸) و حتی برخلاف بیشتر جوامع سنتی بشری، او می‌تواند همسر آینده خود را آزادانه اختیار کند (آذرگشسب، ۱۳۷۵: ۱۶۹). در ساختار اساطیری نظام هستی نیز عنصر زنانگی، پایه پای عنصر مردانگی حضور داشت و نیمی از ایزدان و کارگزاران اهورامزدا، مرد و نیمی دیگر نیز زن بودند (Gray, 1928, 35-60). به موجب کتاب ماتیکان هزار دادستان، «فرمانروایی در خانواده، به صورت مشترک مابین مرد یا کدخدای خانه و زن یا کدبانوی خانه تفکیک شده بود. بانو نسبت به مدیریت مسائل داخلی منزل، اختیار تام داشته و مرد حق دخالت در این زمینه را نداشته است. از طرف دیگر، زن این حق را داشته است که به مقام وکالت دادگستری برسد یا اینکه در مقام و جایگاه قاضی باشد» (Perikhanian, 1977, 68). همسوی با این‌ها، آزادی‌هایی نیز در اجرای مراسم مذهبی برای زنان قائل شده بود (Kotwal and Kreyenbroek, 1992, 123-124).

۳- جرائم زنان در ادبیات فقهی زرتشتی

برخلاف پیام زرتشت، موقعیت زنان، تابع عرف و رأی مغان و بزرگان جامعه بود. در متون الحاقی بدعت‌گران، زن موجودی است که اهورامزدا نیز از آفرینش آن اکراه دارد و می‌گوید اگر مخلوق دیگری می‌توانست پیدا کند که مرد را از او بیافریند، از آفرینش زن پرهیز می‌کرد (دادگی، ۱۳۸۵: ۸۳). اگرچه در نظام حقوقی ساسانی نیز زنان از آزادی‌هایی برخوردار بودند؛ اما وضعیت موجود، با جایگاه واقعی زنان به عنوان نیمی از جامعه، همخوانی نداشت و برخی آزادی‌ها و اختیاراتی را که در کتاب «ماتیکان هزار دادستان» می‌بینیم، احتمالاً منحصر به زنان طبقه اشراف می‌شده است (بارتلمه، ۱۳۳۷: ۴۱) و یک زن، برای دستیابی به حقوق اجتماعی متساوی با مرد، نیاز به تلاش و کوشش و اثبات قدرت ذاتی خود داشت (مزداپور، ۱۳۶۹: ۷۳-۷۴). در چنین وضعیتی (زنان طبقات فرودست جامعه)، به مثابه یک شیء تلقی می‌شده‌اند (بارتلمه، ۱۳۳۷: ۵۰). متون حقوقی دوره ساسانی، علی‌رغم سخن‌راندن از اختیارات زنان، به نقش برتر و بلامنزاعه مرد در جامعه

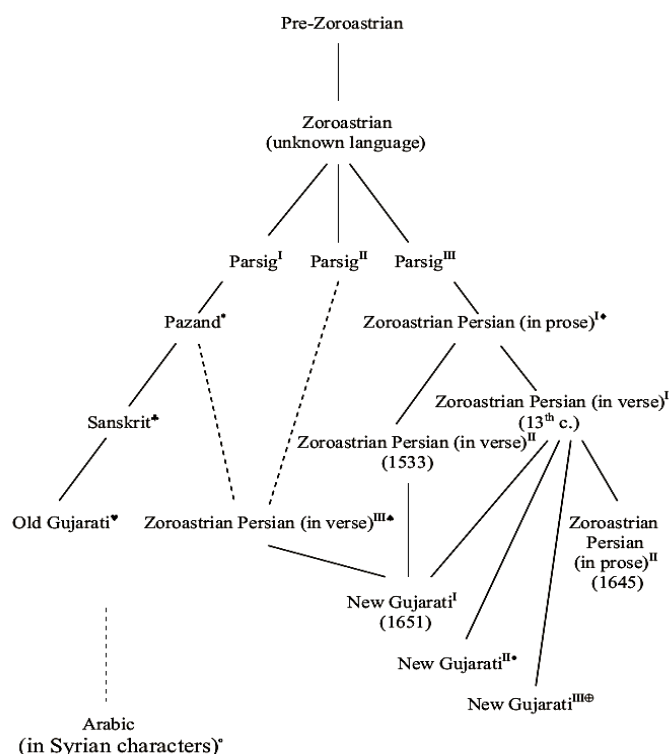
تصریح دارند و یک زن، به‌سختی می‌تواند هژمونی مرد را به چالش بکشد. نظام حقوقی جامعه ساسانی، با ساختاری مدون از بزه‌ها- کیفرها شکل یافته بود و قانون‌گذاران، به آن‌ها رنگ‌وبوی مذهبی می‌زدند. ناآشنایی عموم مردم به زبان اوستایی و مشکلات خوانش و نگارش خط پهلوی، زمینه مناسبی را برای برخی قانون‌گذاری شریعتمداران فراهم می‌ساخت که آنچه را که دلخواهشان بود، به نام قوانین شخص زرتشت، تحمیل کنند. در نگاه سخت‌گیرانه موبدان دوره ساسانی، زن می‌بایستی سخت‌کوش‌تر، پرهیزگارتر و کم‌مدع‌تر از مرد می‌بود. زن در جامعه ساسانی، با دو نوع مقررات روبه‌رو بود: نخست، قوانین جزایی که ممکن بود پای زن را به دادگاه بکشاند و دوم، مجازات یا تحمیل بار گناه بود که از طریق مغان مال‌اندیش اعمال می‌شد. کتاب «ماتیکان هزار دادستان» را می‌توان، نماینده طرز تفکر اولی و «وندیداد» را نماینده طرز تفکر دوم دانست. بنا بر احکام فقهی، یک زن، با ازدواج و تولیدمثل می‌توانست موقعیت اجتماعی و مذهبی شایسته‌ای کسب کند و بازداشتن دختر از ازدواج، گناهی بزرگ انگاشته می‌شد (اونوالا، ۱۹۲۲: ۱۷۷)؛ زیرا چنین کاری، خلاف طبیعت شمرده می‌شد و زن را از موقعیت طبیعی او دور می‌داشت. دختر معمولاً در سن پانزده سالگی یا پایین‌تر از آن ازدواج می‌کرد و وظیفه او، در ارتباط با کانون خانواده تعیین می‌شد. او می‌بایستی زنی مناسب برای مرد خود باشد و فرزندانی شایسته (و ترجیحاً پسر) می‌زاید و فارغ از این‌ها، همانند کودکان و خدمتکاران خانه، بایستی در خدمت مرد درمی‌آمد (بارتلمه، ۱۳۳۷: ۶۲؛ مزداپور، ۱۳۶۹: ۵۸). قداست ازدواج در آیین زرتشتی، موجب می‌شد که زنان، در صورت ناسازگاری شوهر یا سایر اعضای خانواده، نتوانند به‌راحتی طلاق بگیرند و به پیوند موجود خاتمه دهند (Gray, 1928: 22). در برابر جرائم و گناهان جنسیتی مختلفی همانند بارداری از مرد بیگانه و از بین بردن فرزند، به‌تنهایی خوردن گوشت و بخشش آن به دیگران، بدون اطلاع شوهر، خودآرایی برای دیگران، خیانت جنسی، رعایت‌نکردن مقررات مربوط به موعد دشتان (حیض)، روسپی‌گری، کوتاهی در ازدواج با خویشان (خویدوده)، نافرمانی و بدرفتاری با شوهر، کوتاهی در نگهداری کودک، که یک زن به‌خاطر آن‌ها کیفرهای سختی می‌بیند، مرد با معدودی جرم از این دست روبه‌رو است که شامل نزدیکی جنسی با زن دشتان یا با زن شوهردار است (ژینیو، ۱۳۹۴: ۶۰-۹۶). جرائم و پادافره زن‌ها غالباً معطوف به جنسیت بوده و علی‌رغم مردها که مشاغل و کردارشان آنان را لایق بهشت یا دوزخ می‌کند، زن‌ها با دیدی جنسیتی، تنها در موضع زن و غالباً از دید مردان و وظایفی که مردها بر دوش آنان گمارده‌اند، به

بهشت یا دوزخ روانه می‌شوند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۴۳). خیانت جنسی زن، او را با وضعیت خفت‌باری روبه‌رو می‌ساخت؛ زن و مرد بزهکار، هر دو می‌بایست تبعات چنین خطایی را متحمل می‌شدند؛ اما زن، علاوه بر آن، تبعات اخلاقی را نیز باید پذیرا می‌شد. اگرچه در دوره اسلامی، مجازات چنین عملی، بسیار سخت‌گیرانه‌تر شد؛ اما در دوره ساسانی نیز سردمداران جامعه، چنین عملی را بر نمی‌تافتند. گناه جنسی دیگری که می‌توانست دامن‌گیر زنان شود، بر شکستن سنت خویدوده بود. کیفیت و چگونگی این عمل، محل مناقشات فراوان است و بحث‌های غیرعلمی و تبلیغاتی فراوانی را ایجاد می‌کند. نبود خویدوده در گائاه‌ها، مبین آن است که این سنت، در دوره ساسانی یا پیش از آن به آیین زرتشت افزوده شده است. سخت‌گیری‌های موجود علیه جنس زن در جامعه سنتی زرتشتی، عمدتاً از جانب مراجع مذهبی بود و آنچه را نیز که در قوانین مدنی و جزائی می‌توان یافت، تحت‌تأثیر افکار موبدان بوده است.

۴- ارداویرافنامه و تحریرهای مختلف آن

غیر از ونیدداد، در متون پهلوی، (مانند بخش‌های مختلف دینکرد، شایست و ناشایست و ارداویرافنامه یا ارداویرازنامه) نیز می‌توان سخت‌گیری‌های مذهبی بسیار شدید علیه زنان را مشاهده کرد. در میان این متون، ارداویرافنامه به لحاظ برخورداری از جنبه ادبی، معروفیت زیادتری دارد. بنا بر روایت این کتاب، ارداویراف از مقدسین مزدیسنان و هم‌عصر اردشیر پاپکان بود که از میان موبدان بسیاری انتخاب شده بود تا ایزدان او را در عوالم معنوی سیر دهند، کار مینو (عالم معنی)، بهشت و دوزخ را بر وی آشکار سازند و پاداش‌های اعمال نیک و بد را برای وی روشن سازند. در خلال داستان، روان ارداویراف هفت شبانه‌روز از تنش جدا می‌شود و از پل چینود می‌گذرد و به مشاهده بهشت، دوزخ، برزخ و انواع پاداش‌ها و پادافراها می‌پردازد. پس از پایان سفر، روان وی به تن بازمی‌گردد. آنگاه دبیری می‌آورند تا شرح مشاهدات او را بنویسد. تاریخ نگارش ارداویرافنامه به سده‌های نخستین اسلامی می‌رسد؛ اما دلایلی است که خاستگاه متن را به ایران پیش از اسلام می‌رساند (بویس و گرشویج، ۱۳۷۸: ۱۰۰). متن کتیبه کرتیر در کعبه زرتشت، همانند ارداویرافنامه اشاره‌ای کوتاه به بازدید کرتیر موبد از جهان پسین دارد (عریان، ۱۳۸۲: ۱۷۱) و احتمالاً خاستگاه شکل‌گیری داستان را در دوره ساسانی مشخص می‌سازد. موضوع «سفر به جهان پسین» در نزد اندیشمندان ایران پیش از اسلام مورد توجه بوده است و از در دینکرد هفتم،

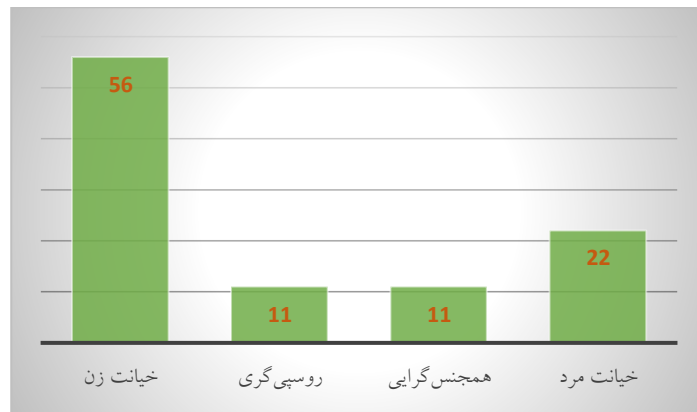
از سفر گشتاسپ بدان‌ها سخن می‌رود (راشد محصل، ۱۳۸۹: ۲۴۵) یا در خسرو و شیرین نیز می‌بینیم که خسرو از وزیر خردمندش بزرگ‌امید، درباره جهان ماوراء و چگونگی خروج جان از تن پرسش‌هایی می‌کند (نظامی، ۱۳۸۶: ۳۴۲). کیفیت روح در جهان پس از مرگ، پیوسته مورد توجه انسان‌ها بوده است و در ادبیات شفاهی بسیاری از اقوام و ملت‌ها، می‌توان مواردی از سرگذشت روحی در آن جهان یا سفر معنوی یک شخص به آنجا را مشاهده کرد (الیاده، ۱۳۷۶: ۱۱۵-۱۰۸). نمونه‌های ادبی مکتوب بسیاری همانند کمدی الهی دانته، بهشت گمشده و بهشت بازیافته میلتن و الغفران ابوالعلاء معری نیز وجود دارند که این سفر را به بیانی عالی به تصویر کشیده‌اند. درباره هویت تاریخی شخص ارداویراف، اطلاع دقیقی در دست نیست؛ اما او با وه‌شاپور، تَنسر یا کَرتیر، یکی دانسته شده است (عقیفی، ۱۳۴۳: ۴؛ ژینیو، ۱۳۹۴: ۱۷). همچنین گفته می‌شود که این نام، یک عنوان و لقب دینی و افتخاری است و اشاره به شخص خاصی ندارد (تاوادیا، ۲۵۳۵: ۱۶۰-۱۶۱، ۱۷۵). زمان زندگی ویراف را بین اواخر سده چهارم و اواسط سده هفتم پس از میلاد که مقارن با سال مرگ آخرین پادشاه ساسانی است، ذکر می‌کنند (عقیفی، ۱۳۹۱: ۵). پیش از آنکه در یکی دو سده اخیر ترجمه‌های علمی و انتقادی از این کتاب به عمل آید، متن پهلوی ارداویرافنامه، به زبان‌های سانسکریت و گجراتی (جدید و قدیم) برگردانده شده بود تا مورد استفاده پارسیان هند قرار گیرد. همچنین تحریری از آن به پازند انجام شد و ترجمه‌هایی منظوم و مثنوی نیز به زبان فارسی انجام شد که هنرمندان زرتشتی، تصاویری به آن می‌افزودند (تفضلی، ۱۳۸۶: ۱۶۹). ترجمه فارسی مثنوی، به گویش فارسی زرتشتی است که به تصحیح داریوش کارگر در دانشگاه اویسالا به چاپ رسیده و غیر از آن، سه ترجمه منظوم مجزا نیز به زبان فارسی صورت گرفته است (تفضلی، ۱۳۸۶: ۱۶۴). گمانه‌زنی درباره تأثیر ارداویرافنامه به کمدی الهی به واسطه ترجمه عربی (دانته، ۱۳۷۸: ۵۷)، می‌تواند قدرت نفوذ این داستان را در سده‌های گذشته نشان دهد. با اینکه درباره وام‌گیری غیرمستقیم دانته از ارداویرافنامه، تردید وجود دارد (تاوادیا، ۲۵۳۵: ۱۶۰ - ۱۶۲)؛ اما احتمال می‌رود این داستان در سرودن داستان سیرالعبادالی‌المعاد توسط سنایی غزنوی مؤثر افتاده (اسموژنسکی، ۱۳۷۶: ۳۲۷ - ۳۴۹) و به دیگر زبان‌ها نیز گسترش یافته است (نمودار ۱).



نمودار ۱. انشعاب روایت نخستین ارداویرافنامه به زبان‌های دیگر. مأخذ: کارگر، ۲۰۰۹: ۳۲

در ارداویرافنامه، هر دو جنس مرد و زن عقوبت کردار نادرست خود را در دوزخ می‌بینند؛ اما تفاوتی که بین آن وجود دارد، این است که اغلب مواقع، مردان به واسطه گناهان و جرائم عادی در عذاب‌اند و زنان، به دلیل جرائم و گناهی که مرتبط با جنسیت آنان بوده است. در آنجا نیز که به جرائم جنسی زنان می‌پردازد، زنان مجرم‌تر و گناهکارترند (نمودار ۲). نگاه یکسویه نگارنده این کتاب به جنس زن، در سرتاسر کتاب دیده می‌شود. از همان آغاز - که خواهران هفتگانه او به نیایش و دعاگویی برگمارده می‌شوند تا او از جهان پسین به سلامت بازگردد - تا دیدار یکایک غرفه‌های دوزخ، می‌توان دید که زن در نگاه وی به‌عنوان یک موبد فرهیخته، مورد بدگمانی است. از نظر او، رستگاری زن از طریق انجام درست و دقیق خویشکاری‌هایی است که وی باید بنا به جنسیت خود، در قبال شوهر و فرزندان انجام دهد. ارداویراف، در جایی شاهد صحنه رقت‌انگیز جدایی یک زن و شوهر است. زن به لابه و استغاثه از شوهرش می‌پرسد که چرا اکنون وی راهی دوزخ است و شوهرش به بهشت می‌رود. شوهرش کوتاهی او را در برابر آیین مزدیسنان و تحقیر

نیکان و درماندگان یادآور می‌شود و زن به او می‌گوید که «پس تو چرا مرا برای این کار آسیب نرساندی و مجازات نکردی؟» در مقابل این پرسش زن (از نگاه نویسنده کتاب منطقی می‌نماید)، تخفیفی در نحوه مجازات زن داده می‌شود و مرد نیز با آنکه به بهشت می‌رود، اما از کوتاهی خویش در عدم تنبیه زن، شرمگین است (ژینیو، ۱۳۹۴: ۸۴).



نمودار ۲. جرائم جنسی زنان و مردان در ارداویرافنامه. مأخذ: (ربیع‌زاده، حسنی، ۱۳۹۶: ۶۰)

۵- ارداویرافنامه به رؤیت هنرمندان زرتشتی و تصویرگری امر وحشت

همان‌گونه که تحریرهای مختلف از متن ارداویرافنامه به‌عمل آمده است، هنرمندان زرتشتی نیز در تصویرگری آن‌ها تلاش کرده‌اند. تردیدی نیست که توجه و اقبال جامعه به داستان ارداویراف، مهم‌ترین دلیل رویکرد ادیبان و هنرمندان زرتشتی به این موضوع بوده است؛ اما در مطالعه این آثار، باید دلایل اجتماعی ناشی از تبلیغات دینی، رقابت با سایر ادیان و مکتب‌ها نیز به‌عنوان انگیزه‌های جانبی لحاظ شوند. تاریخ هنر زرتشتی (پس از اسلام) تا حد زیادی در خفا مانده است و از تعداد دقیق نسخه‌های مصور داستان ارداویراف، اطلاع درستی در دست نیست و مهم‌تر اینکه هنرمندان این نسخه‌ها نیز تا حدود زیادی ناشناخته مانده‌اند. نبود حامیان مالی حکومتی، محدودیت‌های اجتماعی و ناپختگی این هنر در مقایسه با هنر اسلامی، از دلایلی است که موجب گمنامی هنرمندان و ناشناخته ماندن آثار آنان شده است. تسلسل و تداوم تصاویر داستان در کنار یکدیگر، موجب شده است که هنرمندان آن‌ها، در پی رعایت قواعد و چارچوب‌های نگارگری نباشند. محصول تلاش آن‌ها را باید تصویرسازی محسوب کرد که معمولاً، چندان به رعایت

جزئیات نمی‌پردازد. از این تصویرسازی‌ها، چهار اثر مختلف می‌شناسیم که برخی از آن‌ها خطی و برخی نیز چاپ سنگی و به احتمال زیاد، همه این آثار محصول هند هستند.

۵-۱- نسخه دانشگاه منچستر

سرایش متن این نسخه از ارداویرافنامه، به احتمال زیاد باید براساس همان متن فارسی زرتشتی باشد که در دانشگاه اوپسالا منتشر شده است (کارگر، ۲۰۰۹). این نسخه در کتابخانه جان راینلد به شماره Persian MS 41 نگهداری می‌شود و کاتب این کتاب بهدین پشوتن شاکرابین بهرام چاندارغرف بوده و بنا بر اطلاعات کتاب‌شناسی ملحق به نسخه در دانشگاه منچستر، متن منظوم موجود در سال ۱۲۰۵ قمری، برابر با ۱۷۸۹ میلادی سروده شده است. در این زمان حدود نیم سده از حمله نادرشاه به هند می‌گذشت و دولت قاجاری ایران، درگیر جنگ‌های هزیمت‌بار با روس‌ها بود. زبان و ادب فارسی در این مدت اگرچه حامیان قدرتمند پیشین را -که گورکانیان هند باشند- ازدست داده بود و آثار فاخر به این زبان آفریده نمی‌شد، اما ادبای بسیاری به آن عشق می‌ورزیدند و آثار خود را به آن می‌نگاشتند؛ چنان‌که حدود ۳۰ سال پس از این نیز شاهد سرایش «حمزه‌نامه» به زبان فارسی هستیم که البته اشعار آن بسیار سست و کم‌مایه است. جزء دوم نام شخصیت این داستان در نوشتار پهلوی به گونه **اړدان** است که عموماً به گونه «ویراف» و گاهی به شکل «ویراز» خوانده می‌شود. در صفحه آغازین این نسخه، نام کتاب به صورت ترکیب «ارداویرازافنامه» قید شده است و با توجه به اینکه در صفحه مطلع منظومه، حروف «از» به صورت افزوده بعدی دیده می‌شود، می‌توان فهمید که عنوان «ارداویرازاف» پس از تردید شاعر (یا شاید کاتب) بر ساخته شده است. این کتاب به نثری ساده نوشته شده و در میان زرتشتیان دارای توجه خاصی بوده است؛ به طوری که در گذشته آن‌را به تحریر پازند درآورده‌اند و به سانسکریت و گجراتی ترجمه شده و قدیمی‌ترین نسخ خطی آن متعلق به قرن چهارم هجری است. کتاب ارداویرافنامه را زردشت بهرام پژدو از شعرای قرن هفتم به شعر فارسی گردانده که در حدود ۱۸۵۰ بیت و به بحر هزج مسدس محذوف یا مقصور است. این منظومه ۵۶ نگاره دارد که اغلب از تکنیک قلم‌گیری سیاه بهره گرفته‌اند. رنگ‌ها محدود هستند در نگاره‌های مربوط به بهشت، رنگ‌های گرم و طلایی بر الوان سرد غلبه دارد و نگاره‌های دوزخ دارای پس‌زمینه سیاه و سرد با لکه‌های زرد و سرخ هستند؛ چهره‌ها تمام‌رخ و سرخ و فاقد تنوع هستند. بُعدنمایی نیز در این

نقاشی‌ها رعایت نشده است؛ همچنین اثری از نام تصویرگر وجود ندارد. در نگاره‌های مربوط به دوزخ نسخه موردنظر (تصویرهای ۱، ۳، ۵، ۷، ۱۰ و ۱۲) ارداویراف به همراه سروش اهلو و ایزد آتش، ناظر گناهان انسان‌ها و اعمالشان در دوزخ است. فرد گناهکار با چهره‌ای کاملاً بی‌احساس از درد و رنج در پس‌زمینه خاکستری قرار گرفته‌اند و میان بدن سفید فرد گناهکار با بدن سیاه اعمال بد، کنتراست برقرار است. کردار بد با رنگ خاکستری تیره، سری شاخ‌دار، دندان‌های تیز و چنگال‌هایی شبیه زوبین (نیزه کوتاه) و زبانی آویزان و سینه‌ای با موهایی کوتاه، چهره‌ای نیم‌رخ دارند با «خُرْفَسْتَرَه‌ها» نیز به رنگ خاکستری تیره و سفید دیده می‌شوند. شایان ذکر است که اندام‌وارگی در بدن زن به جز تصویر ۱۰ (که تا حدودی مو و اندام مشخص است) رعایت نشده است.

۵-۲- نسخه دینگردنامه

این کتاب دارای بیش از ۵۰ تصویر از مراحل مختلف سفر ارداویراف به جهان پسین است. تصاویر کتاب را رحیم عقیفی در سال ۱۳۴۳ به پیوست ارداویرافنامه منظوم زرتشت بهرام پژدو به صورت سیاه و سفید، به چاپ رسانده بود (عقیفی، ۱۳۴۳: ۱۶۷ به بعد). سپس هاشم رضی در سال ۱۳۸۴، همه تصاویر را در ضمن کتاب «متون شرقی و سنتی زرتشتی، جلد دوم» به صورت رنگی به چاپ رساند. چاپ جدید تصاویر، برگرفته از چاپ قبلی آن در مطبع شهابی بازار بمبئی بوده است (رضی، ۱۳۸۴: ۲۰۹-۲۳۹). هنرمند ناشناس این نسخه، هر تصویر را به دو بخش تقسیم کرده است؛ در یک‌سوی آن ارداویراف، سروش اهلو و ایزد آتش به صورت تمام‌قد و بدن‌ها و صورت تمام‌رخ و پاهایی نیم‌رخ ترسیم شده است و از باغی زیبا و سرسبز به نظاره دوزخ نشسته‌اند؛ در سوی دیگر، روان دریند و زیر شکنجه گناهکار را نشان می‌دهد. این بخش از تصویر، دارای رنگ‌های سرد و تیره است. عناصر تصویری به دو صورت تقریباً قرینه و مفهومی متضاد ترسیم شده‌اند؛ به گونه‌ای که معادل تصویری آتش، سبزه و گل و فضای تاریک و دهشتناک جهنم، فضای رنگارنگ و آرام‌بخش بهشتی را به تصویر کشیده است. مخاطب چنین می‌انگارد که ارداویراف، سروش اهلو و ایزد آتش، از فردوس به نظاره دوزخ نشسته‌اند. انتخاب رنگ‌ها در مقایسه با بخشی که ارداویراف در آن قرار دارد، دارای مفهوم روانی است. رنگ‌های شاد و تکنیک پرداز نسبتاً سطحی به منظور همراهی با مفهوم بهشت در پس‌زمینه ایجاد شده است؛

در صورتی که در قسمت دوزخ چنین توجه‌ای اعمال نشده است. مأمور مجازات، چهره‌ای حیوانی «گروتسک» مانند (بدن و چشم تمام‌رخ، سر و دست و پاها نیم‌رخ که گاهی دمی حیوانی) دارد. خرفسترها نیز به یک‌گونه شبیه عقرب و مار به رنگ زرد نمایان شده‌اند. تصویر زن عریان، فاقد مشخصه‌های «اروتیکی» است (به غیر از تصویر ۴) و هنرمند اگرچه با نشان دادن نحوه مجازات‌های مرتبط با جنسیت یا گناهان آنان، به وقاحت‌نگاری گراییده باشد؛ مشخصاً باید گفت که نمایش تصویر زن عریان در آن فضای وحشتناک، برای نمایاندن تنهایی، بی‌پناهی بی‌حفاظی اوست (تصویرهای ۴، ۶، ۸، ۱۱ و ۱۳).

۵-۳- نسخه چاپی ساموئل گویز

این نسخه در سده هجدهم میلادی توسط ساموئل گویز به چاپ سنگی رسیده و تصاویر آن، منتخب از دست‌نویس‌های زرتشتی «مجموعه شرقی ویلیام اوزلی» است. هامش صفحات، دارای متن پازند و سانسکریت و تصاویر آن با نسخه دانشگاه منچستر، منبع مشترک دارد. نسخه‌ای از این کتاب در «کتابخانه بریتانیا» نگهداری می‌شود؛ پس زمینه به رنگ کاغذین است، خرفسترها و مأموران عذاب به رنگ تیره مشاهده می‌شوند. هنرمند بی‌نام در ارزش‌گذاری خط اهتمام نورزیده است؛ اما به دلیل بُعددهی به غیر از اندام انسان، توانسته است با اجرای تکنیک هاشور، حجم و عمق ایجاد کند و تصویر را از یکدستی رها سازد. تفاوت تصاویر این نسخه با نگاره‌های دست‌نویس ارداویرافنامه کتابخانه منچستر در فام‌های رنگی و عدم‌حضور ارداویراف، سروش اهلو و ایزد آتش است (تصویر ۹).

۵-۴- نسخه متنی گجراتی

این متن، ترجمه‌ای از ارداویرافنامه به زبان گجراتی، زبان ایالت گجرات هند و همچنین زبان مادری پارسیان هند است که سده‌های پیش به آن نواحی مهاجرت کرده و به تدریج زبان ایرانی خود را از دست داده‌اند. نسخه‌ای از این کتاب در مجموعه «جال الدولجی آمرولیا» نگهداری می‌شود (<https://indiairantrust.wordpress.com>). تصویرهای کتاب، گویا برگرفته از ارداویرافنامه منظوم دانشگاه منچستر هستند، با این تفاوت که به صورت خطی و عاری از رنگ هستند؛ به طور نمونه شیوه نمایش عناصر در تصویر ۲ براساس فرم ادراکی است. هرچند که بُعدنمایی در اثر محسوس نیست، ولی هنرمند با استفاده از پلان‌بندی ساده، در تصویر حس عمق

ایجاد کرده است. ارداویراف به همراه سروش اهلوی ایزد آتش، در سمت راست ناظر در حال نظاره بر اتفاقات دوزخ هستند. فرد گناهکار با اعمال بدش در پیش‌زمینه قرار گرفته‌اند، تصویرگر ناشناس با نمایش فرم خطی فرد گناهکار و تصویر سیاه و سیلویت اعمالش، کنتراست شدیدی بین فرد گناهکار با اعمالش ایجاد کرده و با این کنتراست موردنظر بر سنگینی و زشتی اعمال بد فرد گناهکار تأکید کرده است. این کتاب در سال ۱۸۷۱ میلادی در بمبئی به چاپ رسیده است و ۵۹ تصویر دارد.

۶- کیفرشناسی زرتشتی پیش از اسلام و بازتاب آن در کار هنرمندان

پاک‌کننده‌ها در آیین زرتشت شامل خورشید، آتش، آب، خاک، گمیز (ادرار گاو)، و سگ‌دید است. ضمن اینکه پذیرش آیین مزدیسنی نیز باعث پاک‌شدن انسان می‌شود (دارمستتر، ۱۳۸۸، و ندیداد، فرگرد ۹: ۴۵). پلیدی‌ها شامل «هخر» (لاشه مردار)، و آنچه از بدن انسان جدا می‌شود؛ مانند ادرار، مو، ناخن، موجودات زیان‌آور و قاعدگی زنان است.

۶-۱- رودرویی روان با کردار خود

در دوزخ ارداویرافنامه، اعمال زشت و کردار بد آدمی مانند زنی ناپاک و بدبوی زشت‌رو ظاهر می‌شود که دهانی مثل دوزخ، دندان‌هایی چون ستون، بینی تیره و چشمانی شبیه کاسه خون دارد که ناخنش چون نیزه و رویش سیاه چون زغال، هر تار مویش بسان ماری است که به بدکردار می‌گوید راه فراری نداری و باید یار من شوی و من فعل تو هستم (تصویرهای ۱ و ۲).



تصویر ۲. رودرویی روان با کردار خود مأخذ: <https://indiairantrust.wordpress.com>
کردار بد به رنگ سیاه با ناخن‌های چنگالی ترسیم شده است.



تصویر ۱. رودرویی روان با کردار خود مأخذ: (Peshotan, 1789: 78)
کردار بد به رنگ خاکستری تیره، با ناخن‌های چنگالی سفید، دست به کمر گناهکار انداخته است.

۶-۲- روان زنی که از دشتان نپرهیزد

یکی از احکام ناروایی که مغان به آیین زرتشتی افزوده بودند، خوارداشت و تحقیر زن، به هنگام عادت ماهیانه یا «دشتان» بود. در این زمان، او نه تنها از بسیاری از اختیارات اجتماعی محروم بود، بلکه در چارچوب خانه نیز موقعیت ناهنجاری پیدا می‌کرد (دارمستتر، ۱۳۸۸: ۲۳۹-۲۴۰). زن دشتان همواره لازم است پانزده قدم از آتش، آب و برسم ویژه مناسک زرتشت و سه قدم از مرد پارسا فاصله بگیرد. گفتند برای این زن، باید به میزان دو دینار نان و یک دینار شیر طعام برند، تا نیرو نگیرد. اگر زنی تا هشتمین روز دشتان خونریزی مداوم داشته باشد، باید تا این روز منتظر بماند؛ اما اگر این اتفاق تا روز نهم ادامه یافت، ممکن است دست اهریمنان در آن دخیل باشد و باید در حل این مشکل چاره‌اندیشی کنند؛ بر این اساس باید سه گودال حفر کنند و در کنار دو گودال زن را با گمیز و کنار سومی وی را با آب غسل دهند. اگر پس از آن دوباره دشتان شود، باید چهار روز دیگر صبر کند و در روز پنجم سر و تن را بشوید (مزداپور، ۱۳۶۹: ۶۰-۶۴). برای زنان در هنگام دشتان، خانه و محل اقامت جداگانه‌ای در نظر گرفته بودند تا دور از دیگران باشند (شایست ناشایست، ۱۳۶۹: ۲۹). تقریباً همین رفتار، درباره زنی که فرزند مرده به دنیا می‌آورد، روا داشته می‌شد (دوستخواه، ۱۳۸۸، ۷۱۳-۷۱۶؛ دارمستتر، ۱۳۸۸: ۱۲۸). این گناه به‌وضوح در نسخ موجود مصور شده در واقع تصویرگری روان زنی که در هنگام دشتان قوانین را رعایت نکرده است و در دوزخ طاسی سرشار از هخر و خون به دست دارد که ماران دوزخ او را نیش می‌زنند و تشنه به تشنه آلودگی و کثیفی را به او می‌خورانند. ارداویراف از سروش می‌پرسد که این روان زن چه گناهی کرده است؟ در پاسخ می‌گوید زنی که هنگام دشتان به‌سوی آتش و آب رفته و پرهیز ننموده است (تصویرهای ۳ و ۴).



تصویر ۴. روان زنی که دشتان نپرهیزد در دینکردنامه
مأخذ: (رضی، ۱۳۸۴: ۲۲۳)



تصویر ۳. روان زنی که دشتان نپرهیزد در
ارداویرافنامه. مأخذ: (Peshotan, 1789: 86)

مأمور مجازات با برسَم سرخی که در دست دارد، به زن گناهکار محبوس در شعله‌های آتش که کاسهٔ اندام جنسی زن اشاره می‌کند؛ گناهکار کاسه‌ای زرد حاوی ریم هخر را به دست گرفته است. خرفسستره‌ها نیز در زمینهٔ تیره با لکه‌های زرد و قرمز در اطراف زن قرار گرفته‌اند.

زن گناهکار محبوس در شعله‌های آتش که کاسهٔ اندام جنسی زن اشاره می‌کند؛ گناهکار کاسه‌ای زرد حاوی ریم هخر را در دست دارد و به همراه شکنجه‌گری که نشسته است، در زمینهٔ یکدست سیاه مصوّر شده‌اند.

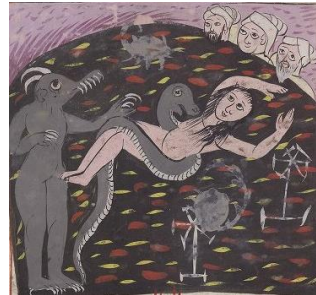
۶-۳- روانِ زنی که روسپی‌گری کند

ارداویراف به همراه ایزد آذر و سروش اهلو در دوزخ، زنی را می‌بینند که بی‌هوش از سینه‌هایش آویخته شده است و به دورش مار و کژدم و خرفسستره‌ها جمع شده‌اند و او را می‌گزند (تصویرهای ۵ و ۶).



تصویر ۶. روان روسپی که با مرد بیگانه بدفعلی کرد، در دینکردنامه مأخذ: (رضی، ۱۳۸۴: ۲۲۵)

زن خائن به صورت سر و ته و آویزان، به غل و زنجیر کشیده شده است، مأمور مجازات با برسَمی که سری آتشین دارد، به همراه عقرب‌ها درگیر عذاب‌دادن است.



تصویر ۵. روان روسپی که با مرد بیگانه بدفعلی کرد، در ارداویرافنامه. مأخذ: (Peshotan, 1789: 92)

زن گناهکار با موهای بلند و چهره‌ای عاری از رنج توسط مأمور مجازات به همراه خرفسستره‌ها و مار در حال شکنجه‌دادن است.

۶-۴- روانِ زنی که فرمان از شوهر نبرد

روان زنی که فرمان شوهر نبرده است، زبانش را از پشت بیرون کشیده‌اند. ارداویراف علت نگون‌بختی زن را می‌پرسد و همراهانش می‌گویند که این زن جواب شوهرش را داده است (تصاویر ۷ تا ۹).



تصویر ۸ عذاب زنی که فرمان شوهر نبرده است، در دینکردنامه

مأخذ: (رضی، ۱۳۸۴: ۲۲۶)

پاها، کمر و دستان زن به غل و زنجیر کشیده شده، سروته آویزان شده و مأمور مجازات به یاری ماری در حال شکنجه دادن است.



تصویر ۷. روان زنی که فرمان شوهر نبرده است، در ارداویرافنامه

مأخذ: (Peshotan, 1789: 94)

زن از پاها آویزان است. مأمور شکنجه به یاری مار و عقرب به عذاب دادن گناهکار سرگرم است.

تصویر ۹. روان زنی که فرمان شوهر نبرده است، در نسخه‌ای هندی از ارداویرافنامه

مأخذ: (Williams, 2005: 201; blogs.bl.uk)

این نمونه شبیه تصویر ۷ است؛ اما از عنصر بصری رنگ بی بهره است.



۶-۵- روان زنی که سقط جنین کند

در سنت دینی «اوستای نو»، هرگونه عملی مبتنی بر انجام عمل سقط جنین، به هیچ بهانه‌ای روا یا قابل چشم‌پوشی نیست. اگر مردی با دختری دوشیزه یا بانویی جوان- خواه آن دختر یا بانو وابسته به سالار خانواده باشد یا نه، خواه به شوهر داده شده باشد یا نه- هم‌بستر شود و دختر یا بانو از او باردار شود و بگوید به دنبال پیرزنی برای و از او بخواید که دشتک (جنین) تو را بیندازد یا داروهایی به جهت افتادن دشتک به زن بخوراند و مرد و او میوه زندگی خود را دور بیندازند، گناه این کار به مساوات متوجه هر سه شخص است (دارمستتر، ۱۳۸۸، وندیداد، فرگرد ۱۵: بند ۱۴ و ۱۵). همچنین اگر مرد از زنی که از او -حتی به ناروا یا به حرام- باردار شده، به‌خوبی مراقبت نکند یا آسیبی متوجه جنین شود، گناه قتل عمد بر گردن مرد است (دارمستتر، ۱۳۸۸، وندیداد، فرگرد ۱۵: بند ۱۶). بر این اساس می‌توان این‌طور بیان کرد که «کودک که از ناپاکان از نسا زاده شود یا اگر پدر و مادرش هر دو به گناهکاری، نسا خورده باشند، آنکه زاده شود، درجای پاک

است؛ چه زاده ریمن نباشد» (شایست ناشایست، ۱۳۶۹: ۳۷). روان زنی که بچه از شکم سقط کرده، این زن گناهکار با سینه‌های خود کوه را می‌کند و غرق در رنج و اندوه است (تصویرهای ۱۰ و ۱۱).



تصویر ۱۱. عذاب کسانی که بچه از شکم سقط کرده‌اند، در دینکردنامه
 مأخذ: (رضی، ۱۳۸۴: ۲۳۲)
 مأمور شکنجه با برسمی که بر دست دارد، به همراه عقرب‌ها و مار در اطراف زن گناهکار نمایان است.



تصویر ۱۰. عذاب کسانی که بچه از شکم سقط کرده‌اند، در ارداویرافنامه
 مأخذ: (Peshotan, 1789: 102).
 زن خطاکار مابین صخره‌ها قرار دارد و مأمور شکنجه با شلاق سرخ که در دست دارد، به همراه خرفسره‌ها دورتادورش را فراگرفته‌اند.

۶-۶- روان زنی که بر روی آتش مو شانه کند

آتش به واسطه تقدسش در دین زرتشت بسیار مود احترام قرار می‌گرفته است. ای زرتشت! هر زمان موهایت را شانه کردی یا تراشیدی و ناخنت را کوتاه نمودی، آن‌ها را به ترتیب ده، بیست، سی و پنجاه قدم از اهالی آشون، آتش، آب و برسم دور کن (دارمستتر، ۱۳۸۸، وندیداد، فرگرد ۱۷: بند ۴). گفتنی است در دین زرتشت آتش، برخلاف مقدس بودن، پاک‌کننده نیست و هیچ‌گاه از آن برای تطهیر استفاده نمی‌شده است و فقط از خاکستر و دود آن برای رفع آلودگی بهره می‌بردند؛ از این رو شانه کردن موی بر بالای آتش، که احتمال، افکندن خرفستران و موی را به همراه دارد، گناه محسوب می‌شده است (دارمستتر، ۱۳۸۸، وندیداد، فرگرد ۵: بند ۵۱ و ۷۱). روان زن بدبخت که روی آتش شانه کرد. این زن گناهکار به دلیل آنکه آتش را پاس نداشته، مو و هخر به آتش انداخته و بر آتش بدون پوشش بوده است در دوزخ روانش به برف و یخ در رنج به سر می‌برد (تصویرهای ۱۲ و ۱۳).



تصویر ۱۳. روان زن بدبخت که روی آتش شانه کرده است، در دینکردنامه
 مأخذ: (رضی، ۱۳۸۴: ۲۳۵)
 مأمور شکنجه و خرفسترها موجود نیستند و زن برهنه ایستاده بر پوشش بیخ درحالی که هاله‌ای از شعله‌های آتش دور سرش است، دیده می‌شود.



تصویر ۱۲. روان زن بدبخت که روی آتش شانه کرده است، در ارداویرافنامه
 مأخذ: (Peshotan, 1789: 108).
 زن برهنه بر روی توده یخ افتاده و مأمور شکنجه، دست بر موهایش انداخته است. موجوداتی همچون مار، عقرب در پس زمینه قرار دارند.

۶-۷- روان زنان جادوگر

ساحران پیش از زایش زرتشت و در بدو تولدش، به دنبال محو و نیستی او بودند؛ زمانی که مادرش دوغلو آبستن بود، با هدف نابودی زرتشت بیمارش می‌کنند؛ اما سرشت ایزدی زرتشت بر جادویی پیروز شد (بهار، ۱۳۷۸: ۴۵؛ آموزگار و فضیلت، ۱۳۷۵: ۳۲). شایان ذکر است که به گمان برخی، مغ‌ها با سحر و جادو آلوده بودند. زرتشت خواسته اصلاحاتی کند و چون مغ‌ها علیه او برخیزیدند، به باخت رفته و در آنجا بهره‌مندی یافته است (پیرنیا، ۱۳۶۲: ۲۲۰؛ ناس، ۱۳۵۴: ۳۱۲). شهرت مغ‌ها بیش از هر چیز جادوگری و افراط در مناسک و آیین زرتشتی بوده و این امر بر جنبه فلسفی آن فزونی داشته است (شریف، ۱۳۶۲، ج ۱: ۸۲). روان زن جادوگر به دلیل جادو و امر به جادو کردن و به دنبال جادو بودن از هفت اندام خویش گوشت می‌کند (تصویرهای ۱۴ و ۱۵).



تصویر ۱۵. روان زن جادوگر، در دینکردنامه
 مأخذ: (رضی، ۱۳۸۴: ۲۳۵)



تصویر ۱۴. روان زن جادوگر، در ارداویرافنامه
 مأخذ: (Peshotan, 1789: 114)

روان زن گناهکار در حال خوردن گوشت است، علاوه بر این
 موجوداتی مانند مار، عقرب و مأمور شکنجه در تصویر افزایش
 در این نمونه روان زن گناهکار بدون وجود دیگر
 عناصر تصویری دیگر نمایان است.
 یافته‌اند.

۷- نتیجه

کتاب ارداویرافنامه، متنی ادبی-دینی است. این که متن پیش‌اسلامی آن در اساس، ادبی بوده یا مذهبی، دقیقاً معلوم نیست؛ اما توصیف‌های خشنی که در کیفیت کیفرهای دوزخی و انطباق آن با برخی فقره‌های وندیداد دیده می‌شود، چنین می‌نماید که جنبه دینی آن بر جنبه ادبی‌اش می‌چربد. روایات وندیداد و برخی موارد مشابه با آن را اغلب مغایر با روح آموزه‌های زرتشت دانسته و در پیراستن آن‌ها از آیین زرتشت کوشیده‌اند؛ اما آنچه که موجب ادامه توجه به ارداویرافنامه شد، جنبه ادبی آن بود. ویژگی ادبی آن موجب شد ارداویرافنامه نه تنها به فراموشی گزارده نشود، بلکه بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. در دوره تسلط انگلیسی‌ها بر شبه‌قاره هند، تا حدودی از سخت‌گیری مسلمانان بر جوامع پارسیان هند کاسته شد و پیشرفت‌هایی در زمینه فرهنگ و اقتصاد برای آنان پدید آمد. در این دوره، هنرمندان زرتشتی، اقدام به مصورکردن نسخ ارداویرافنامه کردند. آن‌ها هم در تلطیف متن نکوشیدند، بلکه تا توانستند تصویرها را وحشتناک و دهشتناک کشیدند و باز در این میان، زن -زن زرتشتی- قربانی اصلی بود. آن‌ها توجه اصلی خود را معطوف به زنان می‌کردند. زن در حال عذاب و شکنجه بود؛ عذاب‌هایی که عموماً با جنبه جنسیت آن‌ها ارتباط می‌کرد و تصاویر را گاهی تا حد یک وقاحت‌نگاری ابتدایی تنزل می‌داد. این امر ممکن است تحت تأثیر جامعه بزرگ‌تر هند آن زمان بوده باشد که هر دو گروه مسلمانان و هندوان بر نقش سنتی زن پای می‌فشردند و پارسیان نمی‌خواستند خود را در امور جنسی جامعه کوچک خود، متساهل و متسامح نشان دهند. در پاسخ به پرسش‌های پژوهش، باید تصریح کرد که نگاره‌های نسخ هندی ارداویرافنامه، تا حد زیادی متأثر از نقاشی غیردرباری یا نقاشی سنتی هند است که نقاشان زرتشتی، با توجه به متن و براساس همان اصول و قواعد سنتی نقاشی هندی، آن‌ها را مصور کرده‌اند. به‌طور قطع می‌توان فرض بر این گذاشت که در صورت تصویرگری این کتاب‌ها در میان زرتشتیان ایران، نتیجه امر، کاملاً می‌توانست متفاوت از این باشد؛ بنابراین، رابطه این نقاشی‌ها با فقه زرتشتی، یک رابطه احداثی و عرضی است و آن را نمی‌توان نمونه‌ای از هنر زرتشتی قلمداد کرد. به همین شکل، رابطه هنرمندان با متن ارداویرافنامه، رابطه‌ای نسبی بوده که

هنرمند در آن، قصد انذار مخاطب خود را داشته و به جنبه‌های زیبایی‌شناختی اثر خود، توجهی نکرده است. از بزرگ‌ترین نکاتی که تصویرگران آن‌ها را فروگذار کرده‌اند، این است که اینان به محیط زمانی و مکانی این داستان توجهی نکرده‌اند و چهره‌ها، به هندیان چند سده اخیر شباهت دارند و نه ایرانیان پیش از اسلام. شخص ارداویراف و همراهان او نیز به طبقه مرفه و متشخص هند آن روزگار ملبس هستند. بدین شکل می‌توان گفت که این نقاشی‌ها، تا حد زیادی از متن ادبی ارداویرافنامه مستقل هستند و آن‌ها را بایستی جدای از متن ارداویرافنامه مورد توجه قرار داد. در مجموع چهار نسخه مصور شناسایی شده که همگی آن‌ها بر عذاب‌های شدید انسان‌ها در دوزخ تأکید دارند و کاربرد رنگ‌های سرد و تند در تصاویر رنگی، بر جنبه روانی منفی آن‌ها افزوده است. هنرمندان تا حد ممکن از اندام‌وارگی انسان‌ها و به‌خصوص زنان دوری کرده‌اند؛ اما برای بی‌پناهی در برابر عذاب، انسان‌ها را عریان و بدون هرگونه پوششی تصویر کرده‌اند.

۸- منابع

۱. آذرگشسب، اردشیر، مراسم مذهبی و آداب زرتشتیان، تهران: فروهر، ۱۳۴۸.
۲. _____، مراسم مذهبی و آداب زرتشتیان، تهران: کانون زرتشتیان شریف‌آباد یزد مقیم مرکز، ۱۳۷۵.
۳. اسموژنسکی، مارک، ساختار رمزی سیرالعباد حکیم سنایی غزنوی (ارائه‌ی متن انتقادی و درآمدی بر شرح آن)، رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
۴. الیاده، میرچا، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش، ۱۳۷۶.
۵. اونوالا، مانک رستم، روایات داراب هرمزدیار، جلد ۲، به کوشش مدی، بمبئی: بی‌نا، ۱۹۲۲.
۶. بارتلمه، کریستیان، زن در حقوق ساسانی، ترجمه ناصرالدین صاحب‌الزمانی، تهران: عطایی، ۱۳۳۷.
۷. بویس، مری؛ گرشویچ، ایلیا، ادبیات فارسی میانه، ترجمه یدالله منصوری، تهران: فروهر، ۱۳۷۸.
۸. بهار، مهرداد، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: آگاه، ۱۳۷۸.

۹. بهمنی، کبری؛ صلاحی‌مقدم، سهیلا، مقایسهٔ ارداویرافنامه و التوهم حارث محاسبی، پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، دوره ۵، شماره ۲، صص ۲۳-۴۷، دانشگاه تربیت مدرس: تابستان ۱۳۹۶.
۱۰. بیگزاده، خلیل؛ زندی‌طلب، احسان، تحلیل سفر روحانی ویراف در ارداویرافنامه براساس الگوی کمبل، جستارهای نوین ادبی، دوره ۵۰، شماره ۱، صص ۵۵-۷۶، دانشگاه فردوسی مشهد: پاییز ۱۳۹۶.
۱۱. پیرنیا، حسن، ایران باستان، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
۱۲. تاوادی، جهانگیر، زبان و ادبیات پهلوی (فارسی میانه)، ترجمهٔ سیف‌الدین نجم‌آبادی، تهران: دانشگاه تهران، ۲۵۳۵ش.
۱۳. تفضلی، احمد؛ آموزگار، ژاله، اسطوره زندگی زرتشت، تهران: چشمه، آویشن، بابل، ۱۳۷۵.
۱۴. تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن، ۱۳۸۶.
۱۵. خانفی، عباس؛ حر، لیلا؛ رسولی‌گروی، فخری، مقایسهٔ ارداویرافنامه با سیرالعباد الی‌المعاد سنایی، مجلهٔ مطالعات ایرانی، سال ۱۴، شماره ۲۸، صص ۷۱-۸۸، مرکز تحقیقات فرهنگ و زبانهای ایران: پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
۱۶. دادگی، فرنیخ، بندهش. ترجمهٔ مهرداد بهار، تهران: توس، ۱۳۸۵.
۱۷. دارمستتر، جیمس، مجموعه قوانین زردشت یا وندیداد اوستا، ترجمهٔ موسی جوان، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۸.
۱۸. دانته، آلیگیری، کمدی الهی؛ دوزخ. ترجمهٔ شجاع‌الدین شفا، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸.
۱۹. دوستخواه، جلیل، اوستا کهن‌ترین سرودهای ایرانیان، ج ۲، تهران: مروارید، ۱۳۸۸.
۲۰. راشد محصل، محمدتقی، دینکرد هفتم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۹.
۲۱. ربیع‌زاده، علی؛ حسنی، میرزامحمد، بررسی ساختار نهاد خانواده در دوره ساسانی به استناد کتاب ارداویرافنامه. پژوهشنامهٔ تاریخ، دوره ۱۲، شماره ۴۸، صص ۵۳-۷۲، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بجنورد: پاییز ۱۳۹۶.

۲۲. ربیع‌زاده، علی؛ حسنی، میرزامحمد، بررسی ساختارهای اقتصادی ارداویرافنامه، پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصاد، سال ۴، شماره ۲، صص ۵۵-۷۲، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (با همکاری انجمن ایرانی تاریخ): پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
۲۳. رضی، هاشم، تاریخ مطالعات دین‌های ایرانی، تهران: فروهر، ۱۳۶۶.
۲۴. _____، متون شرقی و سنتی زرتشتی، ج ۲، تهران: بهجت، ۱۳۸۴.
۲۵. ژینیو، فیلیپ، ارداویرافنامه (ارداویرافنامه)، ترجمه ژاله آموزگار، تهران: معین-انجمن ایران‌شناسی فرانسه، ۱۳۹۴.
۲۶. سلطانی، سیما، گناهان زنان در ارداویرافنامه. زن در توسعه و سیاست، دوره ۳، شماره ۳، صص ۱۴۳-۱۵۴، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران: پاییز ۱۳۸۴.
۲۷. شایست و ناشایست، متنی به زبان پارسی میانه (پهلوی ساسانی)، آوانویسی و ترجمه کتیون مزداپور، تهران: مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۹۶.
۲۸. شریف، میان محمد، تاریخ فلسفه در اسلام، زیر نظر نصرالله پورجوادی، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
۲۹. شهردان، رشید، تاریخ زرتشتیان پس از ساسانیان، تهران: راستی، ۱۳۶۰.
۳۰. عریان، سعید، راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه، تهران: میراث فرهنگی، ۱۳۸۲.
۳۱. عفیفی، رحیم، ارداویرافنامه منظوم زردشت بهرام پژدو، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۳.
۳۲. عفیفی، رحیم، ارداویرافنامه یا بهشت و دوزخ در آیین مزدیسنی، تهران: توس، ۱۳۹۱.
۳۳. کارگر، داریوش، اردای‌ویرافنامه [روایت فارسی زردشتی]، سوئد: دانشگاه اوپسالا، ۲۰۰۹.
۳۴. مزداپور، کتیون، حیات اجتماعی زن در ایران، تهران: مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹.
۳۵. ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی‌اصغر حکمت، تهران: پیروز، ۱۳۵۴.
۳۶. نظامی گنجوی، کلیات نظامی گنجوی، ج ۱، تصحیح حسین وحید دستگردی، تهران: زوار، ۱۳۸۶.

37. Gray, Louis H. Family (Persian), Encyclopedia Religion and Ethics, James Hastings (ed.), Edinburg. 1928

38. Kotwal, Firuze and Kreyenbroek, Philip G. The Herbedestan and Nerangestan, vol. I, Herbedestan Paris, Association pour l'avancement des Etudes Iraniennes. 1992
39. Perikhanian, T. A. The Book of a Thousand Judgements (A sasanian law-book), Translated by Nina Gasoian, California and New York: Mazda Publishes and Bibliotheca Persica. 1977
40. Peshotan, Jiv Hirji Homji. Arda Wiraf Namah (Manuscript). The University of Manchester Library. Access No: Persian MS 41.1789.
41. Williams, Ursulasims. The Strange Story of Samuel Guise: An 18th-Century Collection of Zoroastrian Manuscripts, Bulletin of the Asia Institute 19, 2005 (2009), pp. 199-209. 2005
42. <https://blogs.bl.uk/asian-and-african/2013/12/zoroastrian-visions-of-heaven-and-hell.html>
43. <https://indiairantrust.wordpress.com/2016/05/30/jal-edulji-amrolias-gift-to-the-library>